

# اکثريت

دوشنبه ۱۳ اسفندماه ۱۳۶۹ برابر ۳۳۹  
۴ مارس ۱۹۹۱ سال هفتم شماره

## جنگ، راه حل نیست!

فرب با شغف از پیروزی نظامی خردکننده بر عراق سخن می گوید. جنگ طلبان با استفاده از شور بوجود آمده در اذهان فرب خورده، روحیه نظامی گری را تقویت می کنند. ژنرال‌ها محبوبیت یافته اند. در یک نظر سنجی در آمریکا، ۴۲٪ پس از جرج بوش، ژنرال کولین پاول رئیس ستاد ارتش آمریکا را کاندیدای شایسته ریاست جمهوری اعلام کرده اند. دیک چنی وزیر دفاع ۳۷٪ این آرا را به خود اختصاص داده است و حتی جنایتکار فاشیستی هم چون ژنرال شوایتسکف فرمانده نیروهای آمریکایی در خلیج فارس از نظر ۳۸٪ پرسش شوندگان پس از جرج بوش به عنوان شایسته ترین فرد برای ریاست جمهوری آمریکا معرفی شده است.

بنظر می رسد که جنگ طلبان خواست و روحیه خود را به خواست و روحیه اکثریت مردم آمریکا (و نیز اروپا) بدل کرده اند. در خبرها آمده است که جمیز بیکر وزیر خارجه آمریکا به خاورمیانه میاید تا رژیمهای منطقه را قانع سازد بخشی از نیروهای آمریکایی و تجهیزات سنگین آنان در منطقه باقی بماند. او چنین استدلال کرده است: اگر بحران دیگری پیش آمد نباید تأخیری در کارها حاصل شود، و منظور تأخیر در جنگ است. جنگ طلبان مصمم اند که جنگ را به شیوه و منطق حل بحرانهایی که خود مسبب آن بوده اند و تحمیل اراده "شمال" بر "جنوب" تبدیل کنند. اکثریت جامعه آمریکا و نیز اروپا از این خواست جنگ طلبان لاقط در وضعیت کنونی پشتیبانی می کنند. جنگ طلبان چنین استدلال می کنند: وقتی "چهارمین ارتش قدرتمند جهان" را با اندکی بیش از صد تن کشته چنین در هم شکستیم، "تمدن" را به منطقه خلیج فارس بازگردانده ایم، کنترل "جهان متهدن" را بر نفت تأمین کرده ایم (و فراموش نکنید که این کنترل سوخت و بنزین را در اروپا و آمریکا ارزان تر خواهد کرد)، از "آزادی" دفاع کرده ایم و... چرا نباید از جنگ به عنوان وسیله ای برای حل بحرانهای مشابه استفاده کنیم؟ ظاهر ادعای از این استدلال که جنگ راه حل بحرانهای و اختلافات بی شمار تراکم شده در جهان مانیست، از هر زمان دشوارتر شده است.

در استدلالات سیاستمداران "پیروز" و در روحیه همومی که آنان به جوامع خود تلقین می کنند، آنچه که از محاسبه بیرون است تاوانی است که مردم "جنوب" پرداخته اند. در فرب و آمریکا کسی از ۱۵۰ هزار قربانی غیرنظامی عراقی (بر اساس آمارهای غیررسمی) سخن نمی گوید، کسی یکصد هزار سرباز عراقی به خاک افتاده و نزدیک به یک میلیون مجروح جنگی را به یاد نمی آورد. چرا؟ چون آنها "موسیاه" اند! ری، در اخبار جستجو گریخته منتشره از کشتار ۱۵۰ هزار غیرنظامی، قتل عام یکصد هزار سرباز عراقی و مجروح شدن یک میلیون انسان سخن می رود و این هنوز همه فاجعه نیست، سخن بر سر نابودی یک کشور و فاجعه محیط زیست در یک منطقه بزرگ است. تلفات جنگ در یکصد و چند نفر کشته متهدن خلاصه نمی شود.

این تاوانهای عظیم نشانگر آن است که حل بحرانهای از طریق نظامی تا چه اندازه پردرد و پرتاوان است و تا چه اندازه نطفه بحرانهای دیگر و خشونت های تازه تر را در خود دارد.

جنگ خلیج فارس بر خلاف ادعای فرب بار دیگر نشان داد که جنگ راه حل نیست، راه حل انسانی نیست. مشکلات جهان را می توان و باید بدون قتل عام انسانی ستم دیده و ویرانی سرزمین های آنان حل کرد. در این روزهای دشوار باید به این واقعیت بیش از پیش پایبند ماند و آبرو با صدای رسا ساری فریاد کرد.

## جمهوری اسلامی و تحولات در

### بحران خلیج فارس جمهوری اسلامی خواستار خروج نیروهای فربی از منطقه شد

به دنبال برقراری آتش بس در جنگ خلیج فارس رژیم جمهوری اسلامی خواستار خروج نیروهای فربی از منطقه گردید. در جلسه شورای عالی امنیت ملی که عصر روز ۵ شنبه ۹ اسفند به ریاست هاشمی رفسنجانی تشکیل گردید، سران رژیم از برقراری آتش بس، امکان بازگشت مردم کویت به خانه های خود و متوقف شدن خونریزی و ویرانی ابراز خرسندی کردند. شورای عالی امنیت ملی در این اجلاس تأکید کرد که: امنیت پایدار در منطقه خلیج فارس، همانطور که در بند هشتم قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت آمده است، تنها از طریق همکاری کشورهای منطقه و با خروج سریع نیروهای خارجی از منطقه که ادامه حضور آنها در این مقطع هیچ گونه توجیهی نخواهد داشت، قابل حصول است. در این اجلاس تأکید شد جمهوری اسلامی ایران تمام امکانات خود را به کار خواهد گرفت تا با هماهنگی و همکاری با تمام کشورهای منطقه صلح و امنیت به منطقه بازگردد و در سایه آن کشورهای منطقه به صلح پایدار بقیه در صحنه ۲

# جنگ خلیج فارس با شکست عراق خاتمه یافت

☆ شمار قربانیان عراقی جنگ تا ۲۵ هزار کشته تخمین زده می شود

کردند. عراق استحکامات خود را در انتظار حمله از دریا، در سواحل کویت متمرکز کرده بود، اما حملات اصلی از طریق زمینی صورت گرفت.

شش هفته بمباران شدید، روحیه و امکانات نیروهای عراقی را به شدت تضعیف کرده بود. برخی از اسرای عراقی می گویند از روزها قبل دستوری از فرماندهی ارتش عراق دریافت نکرده بودند. بسیاری از آنها با اتمام ذخایر غذایی شان، به شدت دچار گرسنگی بودند.

◀ بقیه در صحنه ۳

پیش از جنگ ده برابر شده است. در عراق به شدت کمبود پزشکی و پرستار وجود دارد. کویت ویران شده است. دود فلیظ ناشی از آتش سوزی تاسیسات نفتی، آسمان را سیاه کرده است.

نیروهای زمینی آمریکا، انگلیس، فرانسه و متحدانشان با ایجاد یک دالان چند صد کیلومتری در داخل خاک عراق و کویت، راه عقب نشینی نیروهای عراقی داخل و پیرامون کویت را بستند و هواپیماها با بمباران و موشکباران جاده هایی که از بغداد به جنوب می رود، محاصره را تکمیل

غیرنظامی در میان مردم عراق از سوی سازمان "پزشکان علیه جنگ هسته ای" صد و پنجاه هزار تن کشته و یک میلیون نفر مجروح تخمین زده می شود. آمریکایی ها می گویند چهل لشکر ارتش و گارد ریاست جمهوری عراق را نابود کرده اند. بخش اعظم سلاح های سنگین ارتش عراق از بین رفته است. عراق عملاً دیگر نیروی هوایی ندارد. شهرهای عراق فاقد آب لوله کشی، برق و سایر خدمات شهری اند. صدها هزار تن از مردم عراق و کویت بی خانمان شده اند. هزینه زندگی در عراق نسبت به

تعاجم زمینی آمریکا و هم پیمانانش به عراق برای بازپس گرفتن کویت، با شکست عراق به جنگ خلیج فارس پایان داد. آمریکا و متحدانش با تمرکز بی سابقه آتش بر نیروهای عراق در جنوب این کشور و در کویت، این نیروها را منهدم و یا وادار به تسلیم کردند. تا هنگام تنظیم این گزارش، ۱۳۰ هزار نظامی عراقی به اسارت آمریکا و هم پیمانانش درآمده بودند. گفته می شود در جنگ خلیج فارس صدهزار تن از افراد نیروهای مسلح عراق کشته شده اند. شمار قربانیان



سربازان عراقی پس از ۴ روز تحمل عظیم ترین بمباران هاتاریخ، خود را فوج فوج به سربازان چند ملیتی تسلیم کردند.

## پیامدهای جنگ خلیج فارس

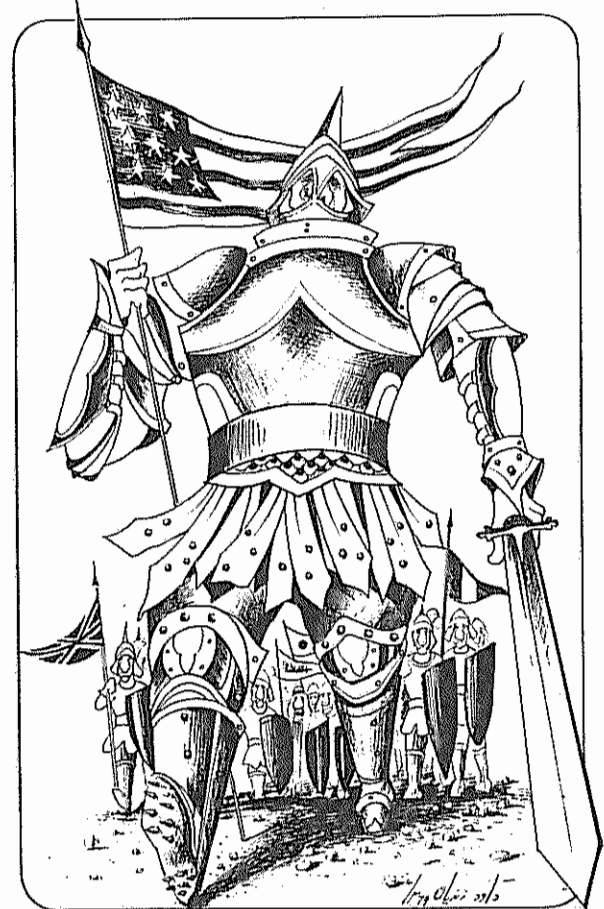
جنگ خلیج فارس با محزمت نیروهای عراقی از کویت و در هم شکستن ارتش این کشور به پایان رسید و اینک با اتکا به شکل پایان جنگ منطقه می رود که چهره دیگری به خود بگیرد. آمریکا بر آن است که نظم نوین جهانی خود را بر منطقه تحمیل کند و از این طریق سلطه جهانی خود را تحکیم بخشد. تحولی که اینک در منطقه پدید می آید، بسی ژرفتر از تحولات پس از جنگهای اعراب و اسرائیل در سالهای ۱۹۴۸، ۱۹۶۸ و ۱۹۷۳، انعقاد قرار داد کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل در ۱۹۷۹ و بالاخره انقلاب ایران، ماجرای افغانستان و جنگ ایران و عراق است. این تحول دارای خصلت مستقیم بین المللی است و حکم

آئینهای رادار ده که در آن می توان به کل سیمای نظم جهانی در دوره پایان جنگ سرد نگریست. پس از آغاز روند به پایان رسیدن قطعی دوره جنگ سرد این گونه بنظر می رسد که در کنار تقویت نقش نهادهای بین المللی بویژه سازمان ملل متحد، در تأثیر گذاری در تضادهای موجود در منطقه، عوامل منطقه ای در برابر عوامل بین المللی وزن بیشتری یابند. این گونه تحلیل ها به ویژه در ذهن تحلیل گران چپ مبتنی بر یک خوش خیالی ساده لوحانه نسبت به آینده جهان به دنبال کم رنگ شدن تضاد آمریکا و شوروی بود. حرینی از میدان به در رفته بود و می بایست انتظار داشت نیروی مستقیم بین المللی است و حکم

## شهرهای مرزی کشور بر اثر دود سیاه در تاریکی فرو رفتند

شعله ور شدن چاه های نفت به اندازه ای بود که مانع از رسیدن نور خورشید به زمین گردید و شهرها را در تاریکی فرو برد. به طوریکه در طول روز چراغ های خیابان ها روشن شد و اتوموبیل ها نیز مجبور شدند با چراغ های روشن رفت و آمد کنند. بنا به گزارش های رسیده، توده دود سیاه، در روز چهارشنبه گذشته تا شمر پل دختر نیز پیشروی کرد و این شهر را در تاریکی فرو برد. گزارشات حاکی از آن است که بغداد وحقی شهرهای ترکیه نیز از این دود در امان نمانده اند. هر چند هنوز تحقیقات جدی پیرامون زیان های ناشی از صدمات وارده به محیط زیست در منطقه خلیج فارس صورت نگرفته است، اما پیش بینی می شود که اثرات مخرب آن در تخریب محیط زیست و سلامت انسان ها بتدریج آشکار شود.

مناطق جنوبی و فربی ایران به شدت تحت تأثیر صدمات وارده محیط زیست قرار گرفته اند. این صدمات که ناشی از وقوع جنگ در منطقه، سرریز میلیون ها تن نفت به خلیج فارس، به آتش کشیدن صدها چاه نفت در کویت و عراق و بالاخره بمباران های پیاپی است، هفته گذشته ابعاد گسترده تری یافت. ریزش باران های سیاه، چرب و اسیدی در هفته گذشته در مناطق جنوبی و فربی کشور ادامه یافت. این باران ها منابع آب را به شدت آلوده ساخته اند و پیش بینی می شود که اثرات زیانبار آنان بتدریج آشکار شود. هم چنین به دنبال آتش زدن چاه های نفت کویت از سوی رژیم عراق، دود فلیظ و سیاهی سرتاسر منطقه را فراگرفت. آسمان بسیاری از شهرهای ایران بر اثر این دود سیاه شده گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، فظلت و شدت دود ناشی از



### در این شماره

سیستیمین سالروز تولد جنبش فدائیان صحنه ۴

نگاهی تازه به اقتصاد و سیاست در ایران صحنه ۸

### درباره کار پایه تشکیلاتی

صحنه ۵





### از رویدادهای ایران

## آزادی بیش از ۱۵۰ اسیر جنگی

به گزارش خبرگزاری اسلامی، اواخر هفته گذشته گروه دیگری از اسرای جنگی ایران و عراق آزاد شدند. رژیم عراق روز جمعه ۶ اسیر ایرانی را آزاد کرد. گفته شده است که نام این اسرا در میان اسرای ثبت نام نشده ایرانی نبوده است. جمهوری اسلامی نیز متقابلاً ۶ اسیر جنگی عراقی را آزاد کرده است. جمهوری اسلامی و عراق تاکنون بیش از ۹۰ هزار اسیر را آزاد کرده اند. بیش از ۵۵ هزار تن از این عده اسرای عراقی بوده اند. شایان ذکر است که جمهوری اسلامی اخیراً طی نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد خواهان اجرای کامل قطعنامه ۵۹۸ شده است.

### انتقاد سانسور چیان از سانسور اخبار جنگ

روزنامه‌های وابسته به رژیم به حملات تند علیه سانسور شدید خبری غرب در جریان جنگ دست زدند. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره روز هفتم اسفند خود ضمن «تابل درک» خواندن اعمال سانسور از طرف رژیم عراق در «جنگ نابرابر»، سانسور خبری از طرف غرب را به شدت مورد حمله قرار داد و دلیل آن را از یک سو مخفی نگاه داشتن چنانچه آمریکا در جنگ و از سوی دیگر پنهان کردن آمار تلفات نیروهای متحد ذکر کرد. روزنامه کیهان در همین روز تئوری «جریان آزاد اطلاعات آمریکا را مورد انتقاد قرار داد و نوشت طبق این نظریه هیچ امری نباید در راه اطلاع رسانی مانع ایجاد کند. به نوشته کیهان وقتی دیگران فاقد نظام خبررسانی گسترده باشند، آنکه این نظام را دارد مدافع جریان آزاد اطلاعات می‌شود. کیهان می‌نویسد: سانسور خبری در جریان جنگ مشت آمریکا را باز کرد. آنها افکار عمومی را بمباران می‌کنند و به رسواترین شکل سانسور دست زده اند.

## تجلیل از امور تربیتی مدارس

هفته گذشته رژیم سالگرد تاسیس نهاد تربیتی در آموزش و پرورش را برگزار کرد. بدین مناسبت روز سه شنبه هفتم اسفند ماه، مراسمی با حضور سید احمد خمینی، نجفی وزیر آموزش و پرورش، معاونین او، مسئولین و مربیان امور تربیتی در کنار مقبره خمینی برگزار شد. سید احمد خمینی طی سخنانی خطاب به مربیان تربیتی گفت: یکی از مسایل مهمی که شما حتماً باید به آن توجه کنید، مسئله فرهنگ اسلام است. وی فرهنگ فنی اسلام را فرهنگ از گهواره تا گور خواند و گفت محور فرهنگ اسلام کتاب الله است. او خاطر نشان کرد مهمترین وظیفه فرهنگیان «تدوین فرهنگ اسلام ناب

## بزرگداشت بیستمین سالروز تولد جنبش فدائیان خلق ایران در سوئد

...تاریک از آن روی که دیو افسار گسیخته جنگ و تباهی که از چراغ جادویی امپریالیسم جهانی برخاسته و با منافع اقتصادی و سیاسی آن گره خورده، بار دیگر منطقه مارا با بهره‌گیری از تجاوز صدام، در کام خود گرفته است.

اما چرخ تاریخ در گردش است. از پس هر تاریکی روشنائی است، چرا که تاریخ را نه حکومت گران که توده‌های مردم در مبارزه‌های مداوم می‌سازند.

امروز این مبارزه باشکال گوناگون در میهن ماجاری است، گاه در اعتراضات دانشجویان و گاه در اعتصاب فرهنگیان و دیگر زحمتکشان، در مبارزات خلقهای میهن، در مقاومت و پایداری زنان میهن، در مبارزات خانواده‌های زندانیان سیاسی، در پایمردی زندانیان سیاسی - در آگاهی و شور نسلی که پیش می‌آید و با تجربیات نسل گذشته در می‌آمیزد. در بازبینی وسیعی که نیروهای انقلابی بر گذشته خود می‌کنند آنرا چراغ راه آینده سازند و در تلاشی که برای فلبه بر پرانندگی و ایجاد آلترناتیوی دمکراتیک در جریان است.

آری خلقتی که تاریخ را می‌سازد، از فراز و فرودها در گذراست تا در تداوم خود صخره‌ها را در نوردد و سرانجام آنچه زیننده و انسانی است بنانند.

اگر امروز مردم ما با چشمانی خونبار بر آنچه بر آنها رفته است مینگرند، فرداست که با لبانی شکفته آینده را در آغوش کشند و در چمنزار بزرگ زندگانی، سرود فتح و پیروزی را سردهند.

جاودان یاد یادواره همه مبارزان جنبش آزادیخواهانه دمکراتیک مردم ایران.

پیام مشترک ارگانهای کشوری سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت و سازمان فدایی ایران در سوئد.

مرکز خبر سیل در شهر گچساران به بیش از ۱۰۰۰ خانوار آسیب رسانده است و در برخی مناطق سیل به خانه‌ها نفوذ کرده است. تعدادی از یلغاو کانال‌های شهر در جریان این حادثه ویران شد. روز جمعه ستاد سیل این شهرستان، اوضاع را عادی اعلام کرد. از میزان خسارات وارده هنوز اطلاعی در دست نیست.

بهای ارزهای خارجی هفته گذشته بهای دلار آمریکا در بازار آزاد تهران مجدداً به میزان یک تومان افزایش یافت، ولی نرخ سایر ارزها اندکی کاهش پیدا کرد. مطابق گزارشات دریافتی، دلار آمریکا ۱۴۳ تومان به فروش رسید. لیره استرلینگ ۲۷۵ تومان، مارک آلمان ۹۴ تومان و فرانک فرانسه حدود ۲۸ تومان معامله شد. بانک مرکزی دلار شناور را به قیمت ۱۳۷ تومان و یک ریال در اختیار متقاضیان واجد شرایط قرار داد.

شبهه شب گذشته، به دنبال بارندگی‌های شدید، سیل مناطقی از استان کهگیلویه و بویراحمد را فرا گرفت. این سیل خساراتی به شهرهای گچساران و دهدشت وارد کرد. مطابق گزارش واحد

فرورفتن به کام مرگ شیرین است همان بایسته آزادی این است

جنبش عظیم توده‌ها فرا رسید، جنبش فدائی نیز با امواج خروشان توده‌ها به پیش شتافت. دیکتاتوری شاهی به زیر کشیده شد ولی امیدو باور مردم رنجیده بیار ننشست. این بار ارتجاع فقامتی سراز مدفن ترون و اعصار بدر آورد، حکومتی خونبار و اسپرگابنا نهاد و هزاران جان شیفته آزادی را پرپر نمود. دهها تن از رهبران و فعالین فدائی نیز در میدان‌های تیرو شکنجه‌گاه‌های رژیم چ، با پای بندی به مهدی که با خلق خود داشتند، به شهادت رسیدند. یاد آنها را گرامی می‌داریم. یاد رفقای را که در شب تاریک وطن، نگین صبح روشن را به روی پایه انگشتر فردا نشاندهند. بهار آزادی را بشارت داند.

به گل گشت جوانان یاد ما را زنده دارید، ای رفیقان که ما در ظلمت شب، زیر بال وحشی خفاش خون آشام نشانیدم این نگین صبح روشن را

به روی پایه انگشتر فردا آری، نگین صبح روشن، به روی پایه انگشتر فردا، و فردا فرجامی که جز از طریق همکمرد امروز راه یافتنی نیست.

اما امروز که با دیروز در آمیخته، در تاریخ روشن تاریخ بسوی آینده روان است. تاریخ روشن از آن روی که بسیاری از باورها و الگوهای روشن دیروزین در نزد بسیاری از نیروهای چپ و انقلابی فروریخته و ابعاد راهی که در پیش است، روشن نیست.

تاریک از آن روی که حکومتی خودکامه جنبش عظیم مردم راه شکستی سخت کشانید، بسیاری از آزادیخواهان را به شهادت رساند و یا مجبور به جلائی وطن نمود. رژیم‌های که بنحوی ددمشانه ابتدائی ترین حقوق انسانی - مذهبی را لگدمال می‌نماید.

و دریفا که پراکنندگی نیروهای دمکراتیک نیز مرادی است مطلوب برای جنایتکاران حاکم...

تاریک از آن روی که حکومتی خودکامه جنبش عظیم مردم راه شکستی سخت کشانید، بسیاری از آزادیخواهان را به شهادت رساند و یا مجبور به جلائی وطن نمود. رژیم‌های که بنحوی ددمشانه ابتدائی ترین حقوق انسانی - مذهبی را لگدمال می‌نماید.

فروشن سالانه ۵/۵ میلیون تن آهن و محصولات فولادی ترکیه به ایران و امکان احداث یک خط آهن بین آنکارا - تهران اعلام شد. نژاد حسینیان ضمن تاکید بر تمایل جمهوری اسلامی به گسترش رابطه با رژیم ترکیه گفت: ایران علاقمند است حجم مبادلات تجاری با ترکیه را به ۴ میلیارد دلار در سال افزایش دهد. وی خواستار خرید بیشتر کالاهای جمهوری اسلامی از سوی ترکیه گردید.

### سیل در گچساران

شبهه شب گذشته، به دنبال بارندگی‌های شدید، سیل مناطقی از استان کهگیلویه و بویراحمد را فرا گرفت. این سیل خساراتی به شهرهای گچساران و دهدشت وارد کرد. مطابق گزارش واحد

روز شنبه نم فوریه، مراسم بزرگداشت بیستمین سالروز جنبش فدائی، در شهر استکهلم برگزار گردید.

در این مراسم بیش از دویست تن از اعضا و هواداران دوسازمان، ایرانیان آزادیخواه، میهمانان داخلی و خارجی شرکت داشتند. در آغاز، در گرامیداشت یادواره همه مبارزان جنبش آزادیخواهانه، دمکراتیک و عدالتجویانه مردم ایران، اعلام یک دقیقه سکوت شد، سپس پیام مشترک ارگانهای کشوری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و سازمان فدایی ایران در سوئد که برگزارکنندگان این مراسم بودند، قرائت گردید.

جشن در فضائی صمیمی و پر شور با اجرای برنامه‌های هنری شامل رقص و آوازهای متنوع ایرانی، ترکی استانبولی، اجرای سرود بزرگسالان، سرود کودکان و بزرگسالان، سرودهای کودکان و دکلمه شعرها تا پاسی از شب گذشته، ادامه یافت.

در زیر متن پیام مشترک مذکور رامی خوانید: در آستانه بیستمین سالروز حماسه سیاهکل ایستاده‌ایم، روزی که فریاد شیفتگان آزادی و عدالت اجتماعی در جنگل‌های سرد و یخ زده سیاهکل به خون نشست. پژواک آن فریاد جنگل و دشت و صحرا را در نوردید، به شهر و روستا رسید و بازتاب خود را در قلب صدها جوان پر شور انقلابی‌ای یافت که از سلاله آزادیخواهان ایران زمین بودند.

آنان گوهر یگانه خود، جان خود را در طبق اخلاص نهادند، در نبرد با دیکتاتوری شاهی و به راه سعادت و بهر روز زحمتکشان نثار نمودند. بارها و بارها در خیابان و میدان تیر، در زندان و شکنجه‌گاه کشته شدند و باز هم بپاخاستند، افتادند ولی به زانو در نیامدند.

زیرا آنان دل در گرو مردم خویش داشتند. دلم از مرگ بیزار است که مرگ امر من خو آدمیخواه است ولی آدمم که زانده‌ها من روان زندگی تار است ولی آدمم که نیکی و بدی را گاه پیکار است

توافق برای ایجاد

خط آهن تهران - آنکارا

توافق برای ایجاد

امکان ایجاد یک خط آهن بین آنکارا و تهران در مذاکرات مقامات دو کشور مورد بررسی قرار گرفت. همچنین اجلاس مشترک کمیسیون دو جانبه اقتصادی - تجاری جمهوری اسلامی و ترکیه که در آنکارا تشکیل شده بود، به کار خود پایان داد و نژاد حسینیان وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی که ریاست قسمت ایرانی را برعهده داشت، طی مصاحبه‌ای نتایج کار این سمینار را تشریح کرد. وی گفت: بررسی امکان ایجاد یک شاه لوله برای انتقال گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه مورد توافق قرار گرفت. قابل ذکر است که اکنون ۴ سال است مذاکره برای احداث چنین شاه لوله‌ای بین دو رژیم ادامه دارد. از جمله توافقات دیگر این کمیسیون

### ایجاد سیستم مخابراتی بین ایران و آذربایجان شوروی

مقامات اقتصادی جمهوری اسلامی و آذربایجان شوروی، توافقنامه‌ای در مورد ایجاد یک سیستم ارتباط تلفنی بین آذربایجان شوروی و استان‌های مرزی ایران به امضا رساندند.

یکی از اصول درخشان تاریخ سیاست خارجی جمهوری اسلامی خواند که اعتبار نظام جمهوری اسلامی و تدبیر مسئولان را بار دیگر بر سیاستمداران جهان آشکار ساخت. اوی گفت خطوط کلکی این سیاست را خامنه‌ای تدوین می‌کرد و رئیس جمهور با انجام بررسی‌های لازم و مشاوره‌هایی که در شورای عالی امنیت ملی صورت میگرفت، این سیاست کلی را پی گیری می‌کرد. وی گفت: این جنگ تجاوز، جنگ قدرت و جنگ نفت بود و به همین دلیل معقول نبود که ما سر نوشت خود را به یک جریان ملحد، فیر اسلامی و غیر الهی پیوند دهیم. ولایتی نیز در سخنان روز سه شنبه خود بر بصیرت و درایت جمهوری اسلامی در قبال این جنگ تاکید کرد و گفت ما بر اساس احساسات عمل نکردیم و آنچه را که بر اساس مصلحت مردم منطقه و اسلام بود اساس قرار دادیم.

### مشهدار نسبت به رشد بیماری رماتیسم قلبی در میان کودکان

دکتر ملکی سرپرست وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در گردهمایی دو روزه پزشکان متخصص در تهران نسبت به خطر بیماری رماتیسم قلبی در کودکان هشدار داد. وی گفت: شمار مبتلایان به رماتیسم قلبی در کشورهای پیشرفته نیم در هزار و در کشورهای جهان سوم از جمله ایران بین ۱۰۰ تا ۱۹۰ در هزار است. دکتر ملکی ضرورت پیشگیری هر چه سریعتر این بیماری را به عنوان یک امر حیاتی مورد تاکید قرار داد. وی برنامه این وزارتخانه برای جلوگیری از بیماری رماتیسم قلبی را شامل دو طرح پیشگیری اولیه و ثانویه ذکر کرد و گفت در طرح پیشگیری ثانویه که از مدت‌ها پیش در سطح مدارس کشور اجرا می‌شود، جلوگیری از پیشرفت بیماری مبتلایان و درمان آن مطرح است و در طرح پیشگیری اولیه، دادن آموزش‌های لازم به پزشکان و کادر پزشکی مطرح است.

### توافق برای ایجاد

### خط آهن تهران - آنکارا

امکان ایجاد یک خط آهن بین آنکارا و تهران در مذاکرات مقامات دو کشور مورد بررسی قرار گرفت. همچنین اجلاس مشترک کمیسیون دو جانبه اقتصادی - تجاری جمهوری اسلامی و ترکیه که در آنکارا تشکیل شده بود، به کار خود پایان داد و نژاد حسینیان وزیر صنایع سنگین جمهوری اسلامی که ریاست قسمت ایرانی را برعهده داشت، طی مصاحبه‌ای نتایج کار این سمینار را تشریح کرد. وی گفت: بررسی امکان ایجاد یک شاه لوله برای انتقال گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه مورد توافق قرار گرفت. قابل ذکر است که اکنون ۴ سال است مذاکره برای احداث چنین شاه لوله‌ای بین دو رژیم ادامه دارد. از جمله توافقات دیگر این کمیسیون

### دفاع سران رژیم از سیاست بی طرفی

به دنبال شکست عراق در جنگ، جناح مسلط حاکمیت که از بی طرفی ایران در جنگ دفاع کرد، حملات مستقیم و غیرمستقیم خود به تندروها را که به نوعی خواهان دخالت در جنگ به نفع عراق بودند، تشدید کرده است. یزدی رئیس قوه قضائیه در نماز جمعه این هفته در پاسخ به مخالفین، سیاست جمهوری اسلامی در این زمینه را

بخش اول مقاله «توضیحات و نظراتی پیرامون طرح کارپایه تشکیلاتی در شماره گذشته نشریه کار درج شد. با توجه به تاخیری که در انتشار نشریه کار بوجود آمده است، نویسنده مقاله مزبور، رفیق سامان نجف زاده عضو شورای مرکزی سازمان، بخش دوم آن را برای نشریه اکثریت ارسال داشته و درخواست چاپ آن را کرده است که در زیر به چاپ آن مبادرت می شود.

## درباره کارپایه تشکیلاتی

سامان نجف زاده

عضو شورای مرکزی

اقلب تحت عنوان «توطئه دشمنان حزب برای ایجاد تفرقه و انشعاب» مورد سرکوب و تصفیه واقع می شد. در جواب باید گفت که اولاً، تنوع پلاتنفرم و پلاتنفرم میزه شدن الزاماً منجر به انشعاب نمی گردد. چه بسا تنوع پلاتنفرم در چارچوب ارمان و اهداف پایه‌ای واحد حزب مطرح باشد که در اینصورت هر پلاتنفرمی که نیروی بیشتری را در حزب بسیج نماید بعنوان پلاتنفرم سمت دهنده برگزیده میشود. ثانیاً، چنانچه تنوع پلاتنفرم‌ها در آنها قانونی است، بیشتر پایه‌ای واحد حزب فراتر رود و در نتیجه وقوع انشعاب محتمل گردد، در چنین صورتی هم مسلماً انشعاب متمدنانه بر مبنای پلاتنفرم معینی بر سرکوب نظرات و عقاید و پایمال نمودن حقوق اعضای حزب ارجحیت دارد. علاوه بر این باید این موضوع مورد پژوهش قرار گیرد که آیا احزابی که بیان نظر و عقیده و انتشار پلاتنفرم‌ها در آنها قانونی است، بیشتر دستخوش انشعاب بوده‌اند یا احزابی که فاقد چنین آزادی‌هایی بوده‌اند؟ ایده رایج «از وحدت و پاکیزگی صنوف حزب باید همچون مردمک چشم محافظت نمود» حزب را به مثابه «هدف مقدس» انشعاب‌گرمی ساخت و نه ابزار ضرور و موثر و مفیدی نظرات و عقاید و پایمال نمودن حقوق اعضای حزب ارجحیت دارد. علاوه بر این باید این موضوع مورد پژوهش قرار گیرد که آیا احزابی که بیان نظر و عقیده و انتشار پلاتنفرم‌ها، شکوفایی فکر و اندیشه و آزادی و استقلال اعضای حزب را در انتخاب اکثرانیوی مناسب تر منکوب می سازد.

ماده ۹ کارپایه نیز از اهمیت حقوقی کمی برخوردار نیست. چه بسا اعضای که به دلیل اتهامات یا تخلفات، بدون توجه به دلایل و شرایط وقوع تخلف مورد تنبیه و یا اخراج قرار گرفته‌اند، بدون آنکه خود آن اعضا امکان دفاع از خویش را پیدا کرده باشند. یکی از مطالبات برنامه‌های ما تقاضای دادگاه علنی و برخوردار از متهم از حق دفاع، از حق داشتن وکیل و هیات منصفه و حق درخواست تجدید نظر برای متهمان بوده است ولی در مناسبات درون سازمانی به این مطالبات حقوقی اصولی و درست، کمترین توجه نمی شده است! در این رابطه بر خوداری عضو متهم از حق شرکت در ارگان بررسی کننده تخلف و داشتن حق دفاع (ماده ۹) دارای اهمیت حقوقی جدی است. در این راستا لازمست بر حق عضو متهم مبنی بر درخواست رسیدگی به پرونده او در ارگانهای مسئول قوتانی نیز تاکید شود.

۴- حق یک سوم اعضای سازمان برای برگزاری کنگره فوق العاده (ماده ۵۷) از اهمیت جدی برخوردار است. در اساسنامه‌های سنتی غالباً برگزاری کنگره (مادی و فوق العاده) به عهده رهبری احزاب و اگذار می شد؛ چنانچه رهبری حزب به هر دلیل از برگزاری کنگره ابا داشت، اهرم قانونی و حقوقی جهت تشکیل کنگره در اختیار اعضا قرار نداشت. باین ترتیب منافع و مصالح رهبری احزاب برخواست و اراده اعضای حزب ترجیح داده می شد. امروزه باید بر این اصل پافشاری نمود که انوریت‌های نمی تواند و نباید مانوق اراده مجموعه اعضای حزب قرار گیرد. چنانچه یک سوم اعضای حزب خواهان برگزاری کنگره باشند و رهبری حزب از اجرای این درخواست سر باز زند، کمیته منتخب یک سوم اعضای درخواست کننده، خود مستقلاً تدارک و برگزاری کنگره را به عهده می گیرد.

۵- «عضویت هم زمان» طی مواد ۱۷ و ۱۸ تبیین شده است. ماده ۱۷ شرکت و فعالیت اعضای سازمان در انجمن‌ها و تشکلهای صنفی و دموکراتیک مختلف را بدرستی مورد تاکید و تشویق قرار داده است. اهمیت تشکلهای اقشار متنوع مردم در تشکلهای مختلف خود، در جوامع امروزی بر کسی پوشیده نیست. توده‌ها در این تشکلهای خود را ارتقاء داده، از منافع مشخص خود دفاع نموده و در امور اجتماعی سیاسی و تولید و توزیع نظارت و دخالت می نمایند. بدون حضور و فعالیت گسترده تشکلهای مردمی، دموکراسی سیاسی و اجتماعی استمرار نخواهد یافت و توسط دولت‌ها یا گروه‌ها و طبقات حاکم پایمال میگردد. فعالیت اعضای سازمان به مثابه شهروندان دارای هویت و منافع اجتماعی و صنفی. توسط دولت‌ها یا گروه‌ها و طبقات حاکم پایمال میگردد. فعالیت اعضای سازمان به مثابه شهروندان دارای هویت و منافع اجتماعی و صنفی معین در این تشکلهای مردمی و طبیعی است. اما برخلاف گذشته، امروزه باید تاکید شود که هدف آن نیست تا سیاست سازمان در این تشکلهای «پیش

برده شود» یا این تشکلهای «تحت نفوذ» سازمان در آیند. میراث تفکر پیشین در برخورد با تشکلهای دموکراتیک را که ناقض استقلال و نافی مضمون دموکراتیک و صغی آنها و کانون درگیری گروه‌های سیاسی بود، باید کنار گذاشت. اعضای سازمان در این تشکلهای با هدف حفظ استقلال آنها در مقابل دولت و احزاب سیاسی و به منظور پیشبرد اهداف صغی و دموکراتیک مشخص خود این تشکلهای باید شرکت و فعالیت داشته باشند. این مضمون کم و بیش در ماده ۱۷ گنجانده شده است. اما لازمست به طور صریح بر هدف «دفاع از استقلال» این تشکلهای نیز تاکید شود.

با این حال طبیعی است که هر نهاد و تشکلهای دموکراتیک و صغی نیز همانند دیگر بخش‌های جامعه حق دارد نسبت به مواضع و برنامه و شعارها و عملکرد دولت یا نیروها و احزاب سیاسی آگاهی یافته و به مثابه یک نهاد مستقل نسبت به آنها واکنش نشان دهد و نیز در امور سیاسی دخالت نماید. ماده ۱۸ عضویت و فعالیت اعضای سازمان را در احزاب و سازمان‌های سیاسی دیگر غیر مجاز اعلام نموده است. این ممنوعیت دو واقعیت را مد نظر دارد: اول اینکه، در فرهنگ سیاسی کشور ما با تفکر فرقه‌گرایانه حاکم بر احزاب و گروه‌ها، عضویت هم‌زمان در دو حزب یا سازمان سیاسی غیر قابل قبول تلقی شده و معمولاً از زاویه «نفوذ» حساسیت زیادی به آن نشان داده می‌شود. دیگر اینکه، تا امروز وضعیت احزاب و سازمان‌های سیاسی چپ ایران به گونه‌ای بوده است که به لحاظ برنامه و مشی و شیوه‌های مبارزاتی دارای تضادها و تفاوت‌های فاحش بوده‌اند و در نتیجه عضویت هم‌زمان در دو حزب یا سازمان سیاسی غیر ممکن و غیر معقول بوده است. اما مسلم است که تفکر و فرهنگ سیاسی و وضعیت نیروها در کشور ما همواره به سیاق پیشین باقی نخواهد ماند. از نظر نگارنده عضویت هم‌زمان در دو حزب یا سازمان سیاسی که دارای اشتراکات و همسویی‌هایی در مشی و برنامه باشند، چنانچه با اطلاع و پذیرش ارگانهای مسئول احزاب مربوطه صورت گیرد، نه تنها مجاز بلکه بایسته استقلال سیاسی عضو هم منطقی می‌باشد. در این صورت چنانچه عضو با اختلافاتی در مشی و برنامه دو حزب مواجه باشد، حل این تناقض مساله خود عضو و به عهده وی خواهد بود.

از این دیدگاه، اعضای سازمان وابسته به ملیت‌های ساکن کشور، می‌توانند به طور هم‌زمان عضویت احزاب و سازمان‌های ملی و منطقه‌ای را نیز داشته باشند (چنانچه آن احزاب هم، عضویت هم‌زمان را بپذیرند). ولی عضو سازمان مجاز نیست که بدون اعلام عضویت و وابستگی سازمانی خود، در احزاب دیگر فعالیت نماید. چنین برخوردی می‌تواند امری نفوذی تلقی گردد و به موجب ماده ۶ موجب لغو عضویت در سازمان خواهد شد.

بحث مربوط به مقوله «عضو» و جوانب مختلف آن را بطرح یک موضوع دیگر خاتمه می‌دهم: گفته شد کسی عضو سازمان می‌تواند باشد که آرمان و ارزش‌های پایه‌ای سازمان را بپذیرفته و در حد توان و امکان خود در جهت نیل به این آرمان و ارزش‌ها تلاش نماید. این تعریف از عضو در همین حال هم مختصات عضو و هم حدود مرز سازمان‌ها را روشن می‌نماید. عضو سازمان باید دارای آن حد از شناخت و تعهد سیاسی-اجتماعی باشد که هم آرمان و ارزش‌ها و اهداف سیاسی-اجتماعی سازمان را آگاهانه بپذیرد و هم حاضر باشد که در حد توان خود برای نیل به آنها تلاش نماید. این حد از آگاهی و تعهد که لازم پذیرش عضویت در سازمان می‌باشد، در بخش‌های قابل توجهی از اقشار روشنفکر مردمی و در لایه‌های از اقشار کارگری، کارمندی، زحمتکشان، خلق‌ها، زنان و جوانان کشور مایافت می‌شود. این پتانسیل حاصل چندین دهه حیات سیاسی و رشد فکری و اجتماعی جامعه مایمی باشد.

با این تعریف و با این زمینه اجتماعی، عضویت در سازمان ما منحصر به «نخبگان» و «قهرمانان» نبوده بلکه سازمان می‌تواند به مثابه یک نیروی سیاسی سراسری و یک سازمان باز، خود را گسترش دهد و علاوه بر روشنفکران طیف وسیعی از عناصر آگاه دیگر اقشار اجتماعی را جذب نماید. اما در همین حال آن حد آگاهی و تعهد مورد نظر، مانع از ورود هر «رای دهنده»، «موادار»، «ساده» و «پر داخت کننده» عضویت «به صنف» سازمان می‌گردد و باین ترتیب حد و مرز سازمان ما و صغوف اعضای آن از شهروندان معمولی جامعه و طیف هواداران تفکیک و مشخص میگردد. سازمان ما باید خلصت اساسی خود را به مثابه تجسم بخش از «اراده آگاه» و «وجدان بیدار» جامعه ما برای روشنگری، اصلاح و تغییر اجتماعی حفظ نماید، و از آن حد از گسترش که این خلصت را بی‌رنگ می‌نماید، بپرهیزد.

۷- سازماندهی نیرو و ساختار تشکیلاتی در کارپایه بر دو رکن استوار است: اول تنوع اشکال سازماندهی دوم، استقلال عمل واحدهای تشکیلاتی. در توضیح عامل اول همانطور که پیشتر هم گفته شد، اصولاً ساختار تشکیلاتی نمی‌تواند امری ثابت و غیر قابل تغییر باشد. این موضوع با توجه به شرایط سیاسی-اجتماعی، کم و کیف نیرو و اهداف و وظایف حزب، به

اشکال متنوع تحقق می‌پذیرد. با این دید در کارپایه شکل سازماندهی در یک چارچوب کلی و منعطف به تشخیص و تصمیم نیروها در هر محل موکول شده است و این برخوردی اصولی است. در این رابطه نحوه سازماندهی در داخل و از جمله در مناطق ملی اساساً بخود نیروها واگذار شده است (مواد ۳۰ و ۳۱). برای خارج کشور نیز تنها یک چارچوب کلی و ساده شده (واحد محلی - واحد منطقه‌ای با کمیته کشوری و ارگان هماهنگی. تشکیلات خارج کشور - ماده ۳۲) ارائه گردیده است. این ساختار کلی لایه‌های میانی اضافی را حذف نموده و دارای انعطاف کافی به منظور تطبیق متنوع نیروها در خارج کشور می‌باشد.

در مورد عامل دوم یعنی استقلال عمل واحدها، باید گفت که این استقلال عمل البته نامحدود نیست و در همه جا مشروط به چارچوب آرمان و ارزش‌های پایه‌ای سازمان (و در صورت تصویب اسناد پایه‌ای، مشروط به آنها) می‌باشد. این چارچوب سمت‌گیری برنامه‌های واحد سازمان و هماهنگی و همسویی پراتیک سیاسی-اجتماعی واحدهای مختلف و اعضای سازمان را تأمین می‌نماید. امری که بدون آن حزب به معنایی که در مقدمه توضیح داده شد نمی‌تواند موجودیت داشته باشد. اما استقلال عمل واحدها در چارچوب ذکر شده، از یکسو باعث عدم تمرکز قدرت مطلق در دست ارگان‌های مرکزی و بالایی می‌گردد و از سوی دیگر تحرک و خلاقیت و اتکا به خود نیروهای تشکیلات را افزایش می‌دهد. به این ترتیب آنچه که همه اعضا و واحدهای سازمانی را به هم پیوند داده و در یک راستا همسو می‌نماید ارزش‌ها و اهداف سیاسی-اجتماعی مشترک است که در این چارچوب هر واحد مستقلاً برنامه عمل و وظایف خویش را با توجه به ویژگی‌های محل، طرح‌ریزی و پیاده می‌نماید.

در رابطه با ساختار فوق‌الذکر همه جا بر یک نکته تاکید شده است و آن ارایه گزارش توسط هر واحد تشکیلاتی به اعضای واحد و به ارگان‌های مافوق است (مواد ۲۹، ۳۳ و ۳۶)، از طریق گزارش‌دهی متقابل، اعضا و ارگان‌ها بر عملکرد همدیگر و بر پیشرفت درست و نادرست به عمل می‌آورند. در سازماندهی نوین لازمست بر اهمیت امر گزارش‌دهی تاکید هر چه بیشتری به عمل آید. هیچکدام از اعضا و ارگان‌های سازمان نباید از حق خود مبنی بر دریافت گزارشات ضرور صرف نظر نمایند و هیچ ارگانی هم مجاز نیست که خود را خارج از نظارت و کنترل تشکیلات قرار داده و امر گزارش‌دهی را بدست فراموشی سپارد. گزارش‌دهی و گزارش‌گیری هم به منظور استقرار عملیت در سازمان و هم به منظور نظارت بر جریان امور سازمان، لازمست بصورت یک مکانیسم پایدار و نهادی درآید. در همین حال این مکانیسم نباید استقلال عمل واحدها را خدشه‌دار نماید.

۸- در کارپایه تنها سیاست ناظر بر سازماندهی نیرو در داخل بیان شده و از بیان جزئیات دیگر صرف نظر شده است. این سیاست شامل چهار عنصر یا محور می‌باشد: عدم تمرکز، محدودیت اطلاعات، حفظ نیرو و استقلال عمل واحدهای سازمانی (ماده ۳۰). در این چارچوب اعضا و فعالین سازمان در داخل، در مورد همه مسایل دیگر از جمله شکل سازماندهی، چگونگی و میزان فعالیت، شکل ارتباطات درونی با ارگان‌های مسئول در خارج و... خود مستقلاً تصمیم‌گیری می‌نمایند. استقلال عمل واحدها که یکی از ارکان مشی تشکیلاتی در کارپایه است، بویژه در رابطه با نیروهای داخل ضرورت و اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. تصمیم‌گیری از خارج برای نیروهای داخل در مورد چگونگی سازماندهی و پیشبرد مبارزه نه تنها بخاطر غیر عملی بودن بلکه همچنین به خاطر غیر اصولی بودن آن، نادرست و ضربه‌زننده است. توصیه‌ها و رهنمودهای ارگان‌های مسئول سازمانی در خارج کشور در رابطه با چگونگی پیشبرد مبارزه و اشکال سازماندهی و ارتباطات تنها در صورتیکه به تشخیص فعالین داخل منطبق با شرایط محل بوده و عملی باشند، می‌تواند به اجرا درآید. سیاست عدم تمرکز امروزه تا هر حد ممکن و ضرور لازمست تصحیم داده شود. این امر در رابطه با پیشگیری از وارد آمدن ضربات بیشتر به سازمان و حفظ نیروی اندک باقیمانده ضروری است. تمرکز نیرو و گسترش واحدها کار رژیم را در سرکوب و وارد آوردن ضربات بیشتر به سازمان ساده‌تر خواهد ساخت. بویژه لازمست تاکید کرد که سیاست ایجاد و حفظ واحدهای تماماً حرفه‌ای و مخفی و منزوی نادرستی خویش را به اثبات رسانده است. نیروهای داخل لازمست حتی الامکان از کردن مردم و پیشبرد مبارزه در راستای اهداف برنامه‌های استفاده نمایند.

بویژه در شرایطی که رژیم ضربات گسترده‌ای را به همه نیروهای سیاسی و از جمله سازمان ما وارد ساخته است، حفظ نیرو از اهمیت زیادی برخوردار است. برنامه‌ریزی برای مبارزه در داخل کشور باید با چشم‌انداز کار آرام، پایدار و درازمدت

### نگاهی تازه

### به اقتصاد

### وسااست

### در ایران

### معاصر

انصاف پذیری بسیار زیادی در پرداخت‌های می‌دهد. در یک کلام، این هواید مالیات دهندگان نیست تا دولت در مورد چگونگی خرج کردن آنها ملزم به پاسخگویی باشد.

به همان میزان که درآمد نفت، دولت را از ابزار تولید داخلی و طبقات اجتماعی مستقل می‌کند، در بسیاری موارد، خود این طبقات به دولت وابسته می‌شوند؛ از جمله برای کار، کمک‌های مستقیم و امتیازهای گوناگون دریافت وام برای سرمایه‌گذاری و... بنابراین هزینه‌های دولت به عنوان سرچشمه قدرت اقتصادی و سیاسی که تمایل به حفظ و گسترش خود دارد، سرنوشت طبقات اجتماعی مختلف را تحت تاثیر قرار می‌دهد.

مدل مورد بحث، قشر بندی اجتماعی نغتی در ایران را به ترتیب زیر بررسی میکند:

الف - مجموعه نظامی - بورکراتیک روبرو گسترش، متخصصان و سایر گروه‌های تحصیل کرده و حتی صاحبان سرمایه، وابستگان دولت را تشکیل می‌دهند. اینان بیشترین سهم را از هواید نفت دریافت میکنند.  
ب - توده‌های شهری که برای کار، حداقل حقوق تضمین شده، سوسپند مواد غذایی، طرح‌های بهداشتی و تعلیم و تربیت و نیز امکان ترقی و پیوستن به "خواص" چشم به دولت

دوخته‌اند. ج - و بالاخره در آخر صف، اکثریت عظیم روستائیان قرار دارند که بیشتر و فقیرتر از آنند که در زمره بهره‌وران از درآمد نفت قرار گیرند و از لحاظ سیاسی (به دلایل تاریخی، اقتصادی و اجتماعی مختلف) ضعیف‌تر از آن که قادر به تعدید مستقیم رژیم باشند. بخشی از آنها با مهاجرت در صدد بهبود وضع خود برمی‌آیند، به این معنا که می‌خواهند به آن دسته توده‌های شهری بپیوندند که دولت می‌خواهد تا اندازه‌ای راضی‌شان نگهدارد. در مجموع نظام قشر بندی نغتی، دولت را به "حامی" یک طبقه وابسته در حال رشد، "قیم" زندگی و کار توده‌های شهری و "عامل انزوی" روستائیان بدل می‌کند. و هنگامیکه در جامعه‌ای مثل ایران نیروها و نهادهای تاریخی استبداد و سلطه سنتی جامعه شهری بر روستائی از قبل وجود داشته باشد، نظام نغتی تنها در خدمت بازسازی و تحکیم روابط و روندهای موجود و یا باقیمانده از گذشته قرار می‌گیرد.

در این قشر بندی، کاتوزیان گروهی از خدمات یعنی عمده فروشی و خرده فروشی داخلی را جدا کرده و می‌گوید: این گروه تنها گروه عمده فعالیت اقتصادی بود که رونق خود جوش داشت. یعنی جزیی از طرح‌های شبه مدرنیستی دولت نبود، در ضمن بسیاری از دست اندرکاران آن به صف وابستگان دولت تعلق

نداشتند. تاثیر سیاسی - اقتصادی این واقعیت (یعنی مستقل بودن گروهی از فعالین اقتصادی از دولت) بسیار عظیم بود. تجار بزرگ و کوچک که هم از حیث اقتصادی و هم از نظر جامعه شناسی خارج از چارچوب استبداد شبه مدرنیستی قرار داشتند و با تمام اقدامات، ارزش‌ها و آرمانهای آن مخالف بودند. از طریق فعالیت‌های دولت البته ثروتمند شدند. اما ثروت افزایش یافته تجار، ثمره گریز ناپذیر نظامی بود که نه تنها کمترین تعهدی در قبال آن نداشتند، بلکه خود را در مخالفتی فزاینده و اجتناب ناپذیر با مشی سیاسی و فرهنگی آن نیز می‌یافتند. به این ترتیب خود مختاری برخی جهات که دولت بارشده، سرکوب، خشونت و بی قانونی سخت در ناپودی اش کوشیده بود، با رشد تصادفی ثروت جامعه بازاریان و به طور عمدی در نتیجه آن مراجع و پیشوایان مذهبی به آرامی دوباره برقرار شد.

کاتوزیان بررسی دقیقی به کمک آمار و ارقام منابع رسمی دولت در زمینه مسایل صنعت، خدمات و کشاورزی انجام داده و پیامدهای استبداد نغتی را در مقابل خواننده قرار داده است. به اعتقاد نویسنده: آنچه در این دوره در کشور رخ داده پیشتر این اجتماعی - اقتصادی بود و نه مدرنیسم. بلکه شبه مدرنیسمی بود که هوایدنفت آنرا تسریع کرد. از جمله باید گفت که شکل تغییرات ساختاری اقتصادی نه به دلیل گسترش شهرنشینی بلکه به

واسطه شهرزدگی بود. هنگامی که کشور در آستانه "دروازه‌های تمدن بزرگ" قرار داشت، سهم کل تولیدات صنعتی (شامل تولیدات دستی روستائی و سنتی) در تولید ناخالص داخلی غیر نفتی فقط ۲۰ درصد بود. در حالی که سهم خدمات به ۵۶ درصد می‌رسید. باین همه حمل و نقل شهری در همه جا افتضاح بود. وضع مسکن مشکل جدی همگان بود. اغلب شهرهای کوچک و بزرگ فاقد سیستم فاضلاب کارآ بودند. خدمات درمانی و بهداشتی برای اقنیا، بسیار گران و نامطمئن و برای فقرا گران و خطرناک بود. گرایشات بسیار مرتجعانه رهبران ج. با هاست شده که در میان روشنفکران و از آن جمله روشنفکران چپ، توجه بیشتری به مدرنیسم (و به شکل شرمگینانه تر مدرنیسم شاه) پدید آید و من گمان می‌کنم که بررسی علمی از هواقب شبه مدرنیسم دهه ۴۰ و ۵۰ اهمیت بسیار جدی برای درک تحولات امروزی و آتی در ایران دارد. "اقتصاد سیاسی ایران" یکی از ارزشمندترین گام‌ها در این راستاست. کاتوزیان در جمع بندی پیرامون کارنامه شاه در این دوره معتقد است که: نغفت هاملی مستقل از کل بافت اقتصادی - اجتماعی ایران بود. سو استفاده از آن به رشد نابرابر قدرت خرید جامعه شهری و تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی منجر شد. کشاورزی و جامعه روستایی ایران را تحت‌ریاز میان برد. تحرک اجتماعی و جغرافیایی را به سرعت افزایش داد. موجب بروز مشکلات

شهری، منطقه‌ای و اکولوژیک در ابعادی غیر قابل تصور شد. قشرهای سنتی و پائین جامعه ربه شبه مدرنیست‌های صرفا مصرف کننده تبدیل کرد. برخی حرفه‌ها و صنایع را تا بودکرد یا از رونق انداخت و برخی دیگر را رونق گسترش داد. انتظارات اجتماعی و مادی (که چه بسا بر آورده نمی‌شد) را بالا برد. سنت‌های فرهنگی و روابط قومی را زیر پا نهاد بی‌آنکه جانشین مناسبی برای آنها بیابد. تنگناها و عدم تعادل‌های حادی را در بین و در داخل بخش‌ها و نهادهای اقتصادی مختلف پدید آورد دولت را از جامعه چنان جدا کرد که یافتن مانند آن در تاریخ بشری دشوار است... اینها عمده بهائی بود که در راه پیشرفت ایران به سوی اهداف کاملاً تکنیکی از قبیل تبدیل ایران به "پنجمین قدرت صنعتی دنیا" و تحقق "تمدن بزرگ" پرداخته شد.

الف - حکیمی - ۹۱  
در مورد برگردان کتاب نیز باید اذعان کرد که مترجمین دقت و امانت را جادار رعایت کرده‌اند و تا حد امکان منابع فارسی مورد اشاره را رسا مورد رجوع قرار داده‌اند. اما متأسفانه ۲ فصل آخر متن انگلیسی کتاب که به انقلاب ۵۷ و آینده آن اختصاص دارد، به دلیل سانسور و حساسیت‌های رژیم، در ترجمه حذف شده است.  
امیدواریم که اهل ترجمه در خارج از کشور به برگردان و نشر این فصل هاهمت گمارند.

#### بقیه از صفحه آخر

درآمدی سرشار تماماً در اختیار دولت قرار می‌گیرد. برای تحصیل این درآمد، دولت حتی نیازی به ابزار تولید بومی ندارد و مجبور نیست در صدد زیادی از آن را (همچون دیگر کارهای تولیدی تحت مالکیت دولت) به عنوان مزد و هزینه‌های دیگر بازگرداند. به همین دلیل نوعی استقلال فیرمادی اقتصادی و سیاسی دولت از نیروهای مولد و طبقات اجتماعی پدید می‌آید. این هواید به دولت

## دوباره کار پایه تشکیلاتی

۱۰ - مهمترین بخش کار پایه مبحث "مناسبات درون سازمانی" است که در ده ماده تدوین گشته است (مواد ۶۸ - ۵۸) چگونگی مکانیسم و مناسبات درونی یک سازمان، در واقع خلعت و ماهیت آن سازمان را از نظر تشکیلاتی رقم می‌زند. در کار پایه اصول ناظر بر مناسبات درون سازمانی به طور خلاصه عبارت است از: دموکراسی وسیع، تنوع نظر، تنوع پلاتفرم، انتخابی بودن همه مسئولین و ارگان‌ها، گزارش‌دهی متقابل، توافق دموکراتیک در تصمیم‌گیری‌ها، اجرای داوطلبانه تصمیم، حق داشتن نماینده در ارگان‌های رهبری برای طرفداران پلاتفرم‌ها، استقلال عمل اعضا و واحدهای تشکیلاتی در چارچوب اسناد پایه‌ای مصوب سازمان و...

استقرار و تثبیت چنین مکانیسم‌ها و مناسباتی در سازمان ما، ماهیت آن را نسبت به گذشته و در مقایسه با مدل "احزاب طراز نوین" به کلی دگرگون خواهد ساخت. آنچه که در گذشته تحت عنوان "سانترالیسم دموکراتیک" مبنای مناسبات درونی در احزاب و سازمانهای مارکسیستی - لنینیستی قرار می‌گرفت، صرف نظر از تعریفی که برای آن ارائه می‌شد، در عمل به سیستم فرماندهی، بوروکراتیسم و نقض ضمن حقوق اعضا منجر گردید. گذشته از این با هیچ منطقی این امر قابل توجیه نیست که حقوق دموکراتیک و فردی و اجتماعی اعضای حزب در درون حزب پایمال گردد. مسلماً حزبی هم که حقوق فردی و دموکراتیک اعضای خود را زیر پا می‌گذارد، نمی‌تواند مدافع و پاسدار چنین حقوقی در جامعه باشد.

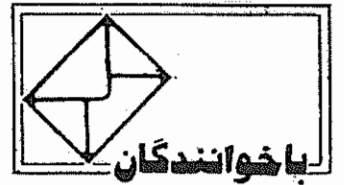
حال باید هدف این باشد که مناسبات مبتنی بر سانترالیسم، فرماندهی و فرمانبری، بی‌حقوقی اعضا، اعمال فشار برای انجام وظایف، تقسیم بندی تشکیلات به "رهبران"، "مادام‌العمر" و "توده تشکیلاتی" کارگزار و... کنار زده شود و سازمان نوینی بر مبنای مناسبات دموکراتیک و انسانی، بر مبنای برابری حقوقی اعضا آگاه و مستقل، بر مبنای احترام به حقوق فردی و اجتماعی عضو و بر مبنای احساس مسئولیت و تعهد و انضباط آگاهانه اعضا در اجرای وظایف پذیرفته شده، پدید آید. در یک کلام هدف آنست که در مناسبات درون سازمانی دموکراسی وسیع بجای "سانترالیسم - دموکراتیک" مبنای قرار گیرد.

بدین لحاظ ضروری است که در مسایل اساسی و تصمیم مهم، همه اعضا ارگان‌های سازمان به مثابه انسان‌های آگاه و مستقل با حساسیت لازم جواب موضوع را مورد نقد و بررسی دقیق قرار داده و تنها پس از کسب اطمینان و اعتقاد به ضرورت و درستی موضوع، اقدام به پیشبرد و اجرای آن بنمایند.  
در ماده ۶۸ حقوق دارندگان پلاتفرم تاحد داشتن نماینده (به نسبت نیروی هر پلاتفرم) در ارگان‌های رهبری ارتقا یافته است. باین ترتیب رهبری از انحصار یک گرایش خارج شده همه گرایشات را در بر می‌گیرد و در همین حال نیروی پلاتفرم اکثریت نیروی سمت دهنده خواهد بود. تنوع نظر و پلاتفرم از یک طرف و هم‌فکری و همکاری مشترک گرایشات مختلف در ارگان‌های رهبری به منظور پیشبرد اهداف مشترک از طرف دیگر، محیط دموکراتیک، خلاق و زنده‌ای در سازمان ایجاد خواهد نمود که زمینه شکل‌گیری دسته بندیهای مخرب و توطئه‌گرانه و خطر انشعاب قابل اجتناب را به مقدار زیادی از بین خواهد برد.

۱۱ - ارگان‌های رهبری مرکزی شامل شورای مرکزی و گروه‌های کار ده گانه منتخب کنگره اول تجربه جدیدی است که جنبه‌های مثبت و منفی آن باید جمع‌بندی و به کنگره دوم ارائه گردد. هم‌اکنون شورای مرکزی خود با تناقض درونی و مشکلات این شکل سازماندهی مواجه است. تناقض ناشی از مسئولیت شورای مرکزی جهت هدایت عمومی سازمان از یک طرف و تقسیم این مسئولیت و محدودیت شورای برای سازماندهی ارگان‌های مناسب و موثر جهت رهبری امور از طرف دیگر، و نیز پراکندگی جغرافیایی اعضا و ترکیب گاه نا هماهنگ گروه‌های کار از جمله این مشکلات می‌باشند. این تناقض در کار پایه به سود تثبیت و تقویت مسئولیت و اختیارات شورا تا حدودی کاهش داده شده است. اما باین حال لازمست شورای مرکزی بر اساس جمع‌بندی این تجربه، طرح مناسب سازماندهی ارگان‌های مرکزی را به کنگره دوم ارائه نماید. بنابراین در اینجا توضیح بیشتر مواد این بخش کار پایه لازم به نظر نمی‌رسد. فقط یادآوری می‌شود که حق شورا برای ترمیم خود با دوسوم آرا و ترمیم گروه‌های کار توسط شورا امری اصولی است که ضرورت آن در تجربه چند ماه گذشته نیز احساس شد. نگرانیهای باقیمانده از تجارب منفی گذشته در این زمینه، با توجه به مکانیسم‌های جدید دموکراتیک درون سازمانی برای نظارت و کنترل تشکیلات بر عملکرد ارگان‌های رهبری، موردی نخواهد داشت.

سازمان به مثابه "ارزش" مورد تاکید واقع شده است، در گذشته "وحدت ایدئولوژیک" و یکسان اندیشی اعضای حزب "ارزش" تلقی می‌شد. حاصل چنین دیدگاهی، خشک‌اندیشی و تسجری، یکسویه‌نگری و هتبه‌ماندگی فکری بود. به عکس، استقلال فکری و تنوع نظری و برخورد آرا و عقاید موجب شکوفایی فکر و اندیشه و شناخت نواقص و خطاها و رشد تعقل و تفکر می‌گردد. هم‌اکنون در اعضا در جهت نیل به اهداف مشترک در همین تنوع نظری و اختلاف نظر بیانگر سطح بالای فرهنگ حزبی و تجلی احساس مسئولیت و تعهد در قبال آرمان‌ها و اهداف مشترک می‌باشد.  
بر طبق مناسبات تعریف شده در کار پایه، تصمیمات در ارگان‌ها و واحدهای سازمانی بر مبنای توافق دموکراتیک (و نه با توسل به ماشین رای) اتخاذ گشته و توسط اعضای موافق (و چنانچه اعضای مخالف نیز مایل باشند، توسط همه اعضا) باجرا در می‌آید و به این ترتیب وظایف سازمانی عملی می‌شود. در همین حال اقلیت ارگان یا اعضای مخالف تصمیم، برای اجرای آن تحت فشار قرار نمی‌گیرند و مجبور نمی‌شوند تصمیمی را که با اصول اعتقادی آنها ناسازگار است بانجام رسانند. در نتیجه اعضای مخالف دچار تناقض و تضاد درونی با خود و با تشکیلات نخواهند شد. از طرف دیگر اقلیت یا اعضای مخالف تصمیم هم مجاز نیستند اجرای تصمیمات اکثریت را با مانع روبرو ساخته و هم‌اکنون بیرون سازمان را فلج نمایند. چنین برخوردی معیار اصول دموکراتیک و موجب سلب حقوق اکثریت خواهد شد.

چنانچه ارگان سازمانی با تصمیم ارگان مافوق مخالف بوده و اختلاف نظر در مشاوره و همفکری طرفین بر طرف شود، نظر اکثریت کنگره‌ای یا مجمع اعضای واحد مربوطه، راهنمای عمل ارگان مخالف خواهد بود. با چنین مکانیسمی قدرت نامحدود ارگان‌های مافوق جهت پیشبرد نظرات و تصمیم خود با محدودیت و کنترل از پایین مواجه و برای اراده اعضا مشروط می‌گردد. در نتیجه چنانچه ارگان یا ارگان‌های رهبری در مقطعی دچار اشتباه یا خطا شوند با مقاومت از پایین روبرو شده و گسترش و تدوام خطا با مانع روبرو خواهد شد. چنین مکانیسمی لازمه دموکراتیسم و کنترل از پایین می‌باشد. در همین حال چنین مکانیسم و چنین حقی، برای اعضا و ارگان‌های سازمانی مسئولیت و تعهد هم ایجاد می‌نماید. به عبارت دیگر اعضا و ارگان‌های سازمان در رابطه با آنچه که عمل می‌نمایند و به اجرا در می‌آورند، در نیک و بد آن شریک بوده و دارای مسئولیت می‌باشند.



### جنگ خلیج و کردستان

بعد از اولین بمباران های شهرها و مراکز نظامی که بخشی از آن مراکز سلاح شیمیایی است که در کردستان قرار دارد، سیل فرار از شهرها و منطقه بصورتی گسترده شروع شد. طبق خبر خبرگزاریها صدها هزار نفر از مردم کردستان بسوی مرزهای ایران به حرکت در آمده اند و از قرار بیش از دو میلیون نفر از بغداد تا نجف و کربلا و شهرهای کردستان رو به طرف مرز ایران دارند. در رابطه با کردستان از سال ۱۹۷۵ بعد از شکست جنبش کردستان عراق به رهبری مصطفی بارزانی، این وسیع ترین مهاجرت است. گفتنی است طبق گفته اپوزیسیون کردستان صدام بخشی از کردها را به زور به کویت کوچ داده است که آنجا هم در معرض خطر قرار گیرند.

ترکیه عضو ناتو به محل استقرار نیروهای نظامی کشورهای اروپایی و آمریکا تبدیل شده، مجموعه این نیروها در جنوب ترکیه یعنی کردستان مستقر هستند، در طول دو روز اول جنگ حدود نیم میلیون نفر نوار مرزی را بطرف شهرهای کردستان و دیگر نقاط ترکیه ترک کرده اند، شهر مرکزی دیار بکر که یکی از شهرهای کردستان است نیمی از جمعیت خود را از دست داده است. وحشتی که مردم را

در بر گرفته روز به روز دامن گسترتر می شود، آمریکا تهدید کرده مراکز تولید سلاح های شیمیایی را که در منطقه کردستان از سال ۱۹۸۵ بطور مخفیانه توسط رژیم صدام با همکاری ۱۴۰ شرکت آلمانی و اروپایی و آمریکایی در حال ساختن بوده، منهدم خواهد کرد، انهدام این مراکز و پخش گاز در منطقه بصورتی خواهد بود، که طبق گفته کارشناسان تاثیر آن تا به آنکارا است. آنانکه شاهد فاجعه حلبچه بوده اند، اینک به چنین مهاجرتی دست زده اند.

کردستان و مردم آن، مردمی که هیچ نقشی در برپایی این جنگ نداشته اند، اکنون به زمین سوخته جنگ تبدیل می شوند، زمینی که در جنگ ایران و عراق هم زمین سوخته بود، زمینی که در جنگ های دور و نزدیک امپراتوری عثمانی و شاهنشاهی پارس (فارس) هم زمین سوخته بوده، مردمی که چهار صد سال است آرزوی صلح مطمئن را در زیر آسمان آبی، روی خاک خودشان رادارد، بار دیگر بدون اینکه خود بخواند در میان گاز انبر قرار می گیرد.

در این روزها که فریاد صلح مردم جهان در خیابان ها طنین افکن است، می بایست برخلاف رسانه های غربی و شرقی که در این مورد سکوت مطلق در پیش گرفته اند، فریاد مردم کردستان را به گوش مردم جهان رساند. صلح خواسته دیرینه مردم کردستان است و صلح در خاور میانه بدون حل مسئله کردستان در کنار حل دیگر مسائل منطقه میسر نخواهد بود. هر کنفرانسی بدون حضور نمایندگان این ملت عادلانه نخواهد بود. مردم کردشیدا علیه جنگ بوده و هستند، چرا که هستی این ملت سالها بوسیله جنگ تحصیل شده بر او، بر باد رفته است. صلح (ناشتی) بانگ رسای این مردم است.

بهرام موکریانی  
آلمان فدرال - ۱۹۹۱/۱/۱۹

### خود ره بگویدت که باید رفت!

فضای آزاد نفسی بکش و خود را جای دوباره ده ده مراد شمار بدبین ترینها به حساب آورید. از این نقطه می توان خاطر جمع بود که همه اهالی این طرف تر ایستاده اند و اراده برای بازسازی نه کمتر که بیشتر از برآورد بدبینانه امثال من است. زمانی می خواندیم که "خود ره بگویدت که چون باید رفت" بعدها به خودمان خندیدیم، بر نشتاین را به خاطر آنکه گفته بود "حرکت مهم است و هدف آنقدرها هم اهمیت ندارد" سرزنشها کردیم. حالا بازی روزگار دوباره ما را در جایی قرار داده که نسبت به پشتیبانی هرگونه ایدئولوژی فشرده احساس بی نیازی می کنیم و چندان در بند آن نیستیم که شکل و شمایل آخرین قله ها را هم بدقت رسم کنیم. مهم است که پای در راه بگذاریم: راهی که دموکراتیک و عادلانه اش می دانیم. خود مسیر زندگی، هدفنای قابل دسترس را معلوم خواهد کرد و در فراگردی که پایان ناپذیر است "خود ره بگویدت که چون باید رفت".

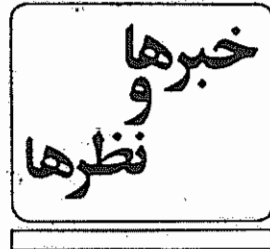
پس بیایید پای در راه بازسازی آبادی خویش بگذاریم. آخر ما هم مردمی بودیم، نسلی بودیم و تباری داشتیم. ده ها زمانی آباد و پر محصول بود. باور کنید! چه دیر و روزها، امروز به ره کجا بروید فریبه است. و اصلا چرا باید به جای دیگر بروید؟ بیایید "دست به دست هم دمییم به مهر خانه خویش را کنیم آباد!"

اگر این کار را کردیم و یک سرپناهی برای خودمان درست کردیم و تابلوی بر درش زدیم که اینجا منزل و ماوای چپ ایران است، آنگاه با دیگران هم می نشینیم و چای و قهوه می خوریم و بقول دکتر جوشی "وفاق همگانی" می کنیم

۱- پ

### درباره کار پایه تشکیلاتی

مد نظر کمیسیون تدوین کننده کار پایه قرار داشته و در مقدمه این نوشتار مورد اشاره واقع شد، مسلما کار پایه حاضر حاوی ابهامات، اشکالات و کمبودهای دیگری نیز می باشد. حال که فاصله زمانی زیادی با گذشت گروه دوم موجود نمی باشد، انتظار این است که بحث مربوط به ساختار و مناسبات درون سازمانی توسط رفقای صاحب نظر در نشریات سازمانی فعال گردد، نوشته حاضر نیز عمدتاً با همین هدف انتشار یافته است. امید است که اعضای سازمان با نقد کار پایه های تشکیلاتی ارائه شده، در جهت شناخت و رفع نواقص و اشتباهات آنها به منظور اصلاح و تکمیل و ارائه به کنگره دوم، گام بردارند.



### شجاع الدین شفا، تهدید به جدایی

#### از رضا پهلوی

شجاع الدین شفا که بعنوان یکی از چهره های مدافع کامل سیستم گذشته و نظام سلطنتی شناخته شده و در مقالات خود در سالهای اخیر همواره آن بخش از سلطنت طلبانی را که در عین حال از سیستم گذشته انتقاد میکنند، مورد حمله قرار داده است، در آخرین مقاله خود با عنوان "پس از ۴۰۰۰ روز، امروز وظیفه ناسیونالیسم ایرانی چیست" یک قدم فراتر رفته و با حمله مستقیم به رضا پهلوی، همکران خود را با عنوان نیروی سوم به در پیش گرفتن راهی مستقل از وی فرامی خواند.

وی در مقاله خود که بمناسبت دوازدهمین سالگرد حاکمیت جمهوری اسلامی نگاشته شده است ابتدا فعالیت های اپوزیسیون جمهوری اسلامی و بویژه رضا پهلوی را مورد حمله قرار داده و نوشته است "در مورد مخالفان اعلام شده این حکومت روضه خوانان، یعنی در مورد نیروهای مقاومت برون مرزی مان نیز اهم از جناح های افراطی و اعتدالی، سلطنت طلبان یا پیروان راه مصدق یا جمهوری خواهان انصاف میباید داد که ایشان هم در همه این چهار هزار روز در مسیر خود پای بر جا ماندند و از آن منحرف نشدند، یعنی بطور پی گیری از ایفای رسالت خویش سر باز زدند، بطور پی گیری به لاف و کزاف و به وعده و ادعای بی پشتوانه اکتفا کردند...."

تاریخ دوازده سال فعالیت - یا هم فعالیت اپوزیسیون برون مرزی ما، در همه جناح های آن، تاریخ بی افتخاری از ضعف و تسلیم و بی لیاقتی و فرار از مسئولیت است. تاریخ مبارزه کاذبی است که منحصر در سرزمین های امن و بی خطر، در صدهزار کیلومتری مرزهای ایران صورت گرفته است، و جای تعجب نیست اگر هیچ اثر قدرتی، هیچ قدرت دست دوم و دست سوم، هیچ تشری از افکار جمهوری جهانیان، این اپوزیسیون همطر زده سالی های پاریس و لندن و واشنگتن را در میدان ارزش یابی جدی نگرفته باشد، همانطور که جای تعجب نیست اگر مردم سرخورد ایران نیز در طول زمان بدین نتیجه رسیده باشند که چنین اپوزیسیونی را جدی نمیتوان گرفت."

"در چنین شرایطی وظیفه ناسیونالیسم ایرانی در این دوران بحرانی سر نوشت ساز چیست؟ همچنان دست روی دست بگذارند و همچنان شاهد ادامه مبارزات کافذی یازده ساله بماند؟ یا به منطق فریبکارانه یا خیال بافانه "تعدیل ماهیت حکومت آخوند" ارسر تسلیم فرود آورد و با این حکومت از در سازش در آید؟ یا همچنان در انتظار آن بنشیند که ساز مانهای بین المللی و رسانه های گروهی و مدافعان حقوق بشر و موج فراگیر آزاد سازی و نیک اندیشی جهان بزرگان دست به دست یکدیگر بدهند و مبارزان راه دموکراسی را به مسند حکومت برگردانند و یا اینکه اصولاً دفتر مقاومت را ببندند و واقعیت حکومت آخوند را بصورت امری تثبیت شده بپذیرند."

وی سپس بمیدان آمدن مبارزانی جدید تحت عنوان نیروی سوم را ضروری دانسته و مینویسد "روند کار فردا نیز الزامات تابع همان قوانین دیر روز است. اصل تنها این نیست که این فرصت ها، این شرایط و این امکانات از نو فراهم آیند، این است که این بار به هنگام فراهم آمدن آنها کسانی برای بهره گیری از این فرصت ها و این شرایط در میدان باشند."

مشکلات مالی، مشکلات سیاسی، مشکلات جغرافیایی، مشکلات نظامی، همه اینها قابل حل اند همچنان که برای بسیار مبارزان دیگر وجود داشته اند و حل شده اند. منتها همه اینها هنگامی حل شده اند که مشکل وجود خود مبارزان حل شده است.

رژیم ترون و سطاتی کنونی ایران در حال حاضر بخاطر تامین منافع کاسبکاران شرق و غرب مورد تأیید کم یا بیش آنهاست، ولی این بدان معنی نیست

### جزئیات کمونیست (کومله): گذار از فکر مبارزه مسلحانه توده ای به مبارزه

#### مسلحانه و واحدهای کماندویی

که این کاسبکاران با چنین رژیمی پیمان زناشویی مادام العمری بسته باشند. بدین معنی است که اینها خودشان احتمالاً برای ساقط کردن حکومتی که در جهت تامین منافعیشان کار می کند، کاری نخواهند کرد، اما مسلماً برای جلوگیری از سقوط آن نیز در صورتی که قدرت ملی نیرومندتری با بخت پیروزی بیشتر قدهلم کرده باشد، پامیدان نخواهد گذاشت. ولی چنین قدرت نیرومند ملی از ائتلاف بزرگ ضعیفان بوجود نمیدارد زیرا که به هر حال جمع چندین صفر بیش از صفر نمیشود. در پیکار سر نوشت پیروزی دستاورد خود باختگان از نفس افتاده ای نیست که حتی اراده جنگیدن برای زنده ماندن را نیز از دست داده باشند، چه ایشان بصورت فردی و چه بصورت جمعی بمیدان بیابند. نه با شکست خوردگان بمیدان پیکار میتوان رفت و نه باور شکستگان میتوان تجارتخانه گشود. مردان واقعی این میدان آتھایی هستند که بدانند چه میخواهند و در تلاش برای رسیدن بدین خواست مصمم و قاطع و آماده فداکاری باشند."

وی در ادامه مقاله با طر ح انتقادات معین خود از رضا پهلوی مشخصات نیروی مورد نظر خود را نیز ترسیم میکند "در پایان سخن تذکری خاص را در باره نقشی که در این دو مورد به عهده مسئول ترین مقام ایرانی است ضروری میدانم. مقامی که متأسفانه در همه این ۱۲ سال نه تنها از جانب مدعیان کاذب مبارزه و یهودا نشان دوست نما بلکه بیش از همه از جانب صاحب خود این مقام در تضییع اعتبار سنتی و کاهش پشتوانه ملی آن کوشیده شده است. مسئولیت این مقام سلطنت اکنون با شه ریاز رضا پهلوی است و چنین مسئولیتی نه به حکم تاریخ ایران و نه به حکم قانون اساسی مشروطیت ایران اجازه آتر انعی میدهد که مشروطیت این مقام از جانب کسی که خود عهده دار آنست مورد سؤال قرار گیرد یا نادیده گرفته شود یا اصولاً نفی شود."

چنین حتی را نه شه ریاز ایران دارد، نه پادشاه سوئدنه ملکه انگلستان، نه امپراطور ژاپن، البته همه ایشان، همانند پادشاه و ملکه دیگر نمیتوانند استعفا کنند، ولی نمیتوانند هم در چنین مقامی باشند و هم مشروطیت آتر از زیر سؤال ببرند.

و تکی که شه ریاز پادشاه دوم در موضع سخنگوی مخالفان سلطنت، در مصاحبه ای با یک مجله و یا با یگانا و میگوید که امروز برای من مسئله سلطنت مطرح نیست و من تکیه بر نقش خود بعنوان پادشاه نمیکندم با چنین اظهار نظر عملاً با از اختیاراتی که قانون اساسی کشور به ایشان داده است فراتر میگذرانند و وقتی هم که رئیس دفتر سیاسی ایشان در گفتگو با یک درباردار جمهوری خواه و مخالف اعلام شده سلطنت تصریح میکند که ایشان دیگر خودشان را رضا شاه دوم نمی دانند و فقط رضا پهلوی میباشند، این مقام مسئول نیز با چنین اظهاری با چه حدود اختیارات خود فراتر میگذارد، زیرا هیچ مجوزی اجازه معامله با اساس سلطنت را حتی در این مسائل بسیار محترم از مصالحه در امر تشکیل اتحادیه عجیب الخلقه سلطنتی - جمهوری - مارکسیستی نمی دهند و لو آنکه مصالحه گران خود پادشاه و پارئیس دفتر سیاسی ایشان باشند.

در هوض میباید در شرایط خاص کنونی بدین واقعیت دیگر نیز، به حکم آزمایش ها و تلاش های ناموفق یازده ساله تأکید نمود که برداشته های فکری و سیاسی شه ریاز رضا پهلوی از مسئولیت های مقام سلطنت و نحوه ایفای این مسئولیت ها با آن برداشت هایی که میلیون ایران از همین مسئولیت ها و نحوه ایفای آنها در شرایط استثنائی و اضطراری کنونی دارند بکلی تفاوت میکند."

و در انتهای مقاله وی نتیجه گیری می کند که "منطقی ترین راه پاسخگویی بدین نیاز، طبعاً این است که شه ریاز پادشاه دوم در مقام پادشاه قانونی کشور و نماینده قانون اساسی و پرچمدار سنتی ناسیونالیسم ایرانی راه بن بست دوازده ساله را که در هیچ زمانی بیراهه ای بیش نبوده است با قاطعیت کنار بگذارند و سرانجام در نقش واقعی یک پادشاه دوران جنگ ایران با قبول همه تعهدات و مسئولیت های آن پا به میدان گذارند."

ولی اگر کارگردانان اتحاد بزرگ همچنان بر ادامه بی تحرکی و بی خصیصتی دوازده ساله پانشاری کنند و اگر پادشاه نیز همچنان به ایفای نقش بی خطر - ولی در عین حال بی اثر - هماهنگ کننده نیروها دل خوش کند و میدان مبارزه واقعی را کماکان خالی بگذارد، در آن صورت خواه تا خواه فقط یک راه حل سوم می بماند و آن اینست که جبر تاریخ، مبارزاتی دیگر را به صورت مردان و زنانی مصمم تر، آماده تر، بی باکتر و مسئول تر برای دفاع از موجودیت ایرانی روانه میدان کند."

دفتر سیاسی حزب کمونیست (کومله) اخیراً تصمیم گرفته است که در اشکال مبارزه مسلحانه جاری این حزب دگرگونی های بنیادی پدید آورده و نقش مبارزه

### گارباجف: مخالفان می خواهند دولت شوروی را سرنگون کنند

### انتخابات در بنگلادش

چهارشنبه هفته گذشته نخستین انتخابات آزاد پارلمانی بنگلادش پس از ۱۶ سال دیکتاتوری نظامی برگزار شد. ۶۲ میلیون نفر از مردم بنگلادش دارای حق رای بودند. گزارش‌های رسیده حاکی است میزان شرکت مردم در رای‌گیری، بسیار چشمگیر بوده است. احتمال‌ترین برنده انتخابات بنگلادش، خانم حسینة ازدهبر حزب "عوامی لیگ" و دختر مجیب‌الرحمان بنیانگذار دولت بنگلادش است. رقیب همده او بیگم خالده ضیا بیوه ژنرال ضیاالرحمان رهبر نخستین کودتای نظامی است که خود در سال ۱۹۸۱ به قتل رسید. خالده ضیا حزب ناسیونالیست را

رهبری می‌کند. پارلمان بنگلادش ۳۵۰ کرسی خواهد داشت. برای احراز این کرسی‌ها، نزدیک به ۲۸ هزار کاندیدای ۷۰ حزب دست به رقابت زدند. از کرسی‌های پارلمان ۳۵ کرسی مختص زنان است. قرار است حزبی که اکثریت آرا را بدست می‌آورد، این کرسی‌ها را اشغال کند. در خلال مبارزات انتخاباتی بنگلادش حداقل ۱۷ تن کشته شدند.

دو رقیب انتخاباتی اصلی بنگلادش مشتریکاره علیه ژنرال ارشاد دیکتاتور سرنگون شده را سازمان داده بودند. انتظار می‌رود اختلاف آرای دو حزب رقیب بسیار اندک باشد.

### انحلال ساختار نظامی پیمان ورشو

امسال منحل می‌شود. وزیر خارجه چکسلواکی پیشنهاد کرد در آغاز ماه ژوئیه تصمیم به انحلال ساختارهای سیاسی پیمان ورشو نیز به امضای

پیمان ورشو ۵۳ سال پس از تاسیس آن اول آوریل به موجودیت خود پایان خواهد داد. وزرای خارجه و دفاع کشورهای عضو این پیمان هفته گذشته با امضای سندی در پراگ این تصمیم را رسمیت بخشیدند. از اول آوریل ۱۹۹۱، تعهد اعضای پیمان به همبستگی دفاعی در صورت مورد حمله قرار گرفتن یک کشور عضو، ملغی خواهد شد. با این حال قرار است ساختارهای سیاسی پیمان ورشو تا مارس ۱۹۹۲ پایربانند. سند امضا شده در پراگ پیش‌بینی می‌کند فرماندهی مشترک پیمان ورشو و ستاد کل نیروهای این پیمان در کنار همه تشکیلات نظامی آن تا اول آوریل

وزیر خارجه مجارستان هنگام امضای سند پراگ خواهان برقراری "مناسبات صادقانه میان کشورهای مستقل" به جای دوستی مورد تاکید در پیمان ورشو شد و افزود باید حق هر دولت عضو پیمان در پیوستن به "سیستم امنیتی دلخواه خود" به رسمیت شناخته شود. پیمان ورشو با انحلال آلمان شرقی اکنون شش عضو دارد: شوروی، لهستان، چکسلواکی، مجارستان، بلغارستان و رومانی.

بومی ندارد. این مهم‌ترین تفاوت میان تولید نفت و تولید سایر کانی‌ها (نظیر ذغال سنگ، مس، الماس و حتی طلا) است. در مورد کانی‌های غیرنفتی، منافع حاصله میان: ۱ - نیروی کار ۲ - سرمایه خصوصی ۳ - سرمایه دولتی تقسیم می‌شود. سهم دولت از درآمد (سوازی سود حاصله از سرمایه‌گذاری خودش)، عبارت است از مالیات‌هایی که بر تولید بسته می‌شود. ولی در مقابل، هواید نفت به صورت منبع

چکیده‌ای از همین مدل مطرح می‌شود و بر اساس آن مسائل اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار می‌گیرد. نویسنده بر آن است که هواید نفتی که توسط این حکومت‌ها دریافت می‌شود، اقتصاد، سیاست و جامعه‌شناسی کاملاً ویژه‌ای در این دسته کشورهای پدید می‌آورد. نفت منبع کمیاب و کارای انرژی است که بارزترین ویژگی تولید، صدور و درآمدش در این است که (جز در مراحل اولیه) تقریباً هیچ احتیاجی به ابزار تولید

تدارک همه‌پرسی ۱۷ مارس برای تصمیم‌گیری پیرامون سرنوشت اتحاد شوروی ادامه دارد. در کیف پارلمان اوکراین تصمیم گرفت همزمان با این همه‌پرسی، یک نظرخواهی عمومی درباره آینده این جمهوری نیز برگزار کند. در مسکو، بلوک "روسیه دمکراتیک" در پارلمان شوروی تصمیم گرفت از رای‌دهندگان دعوت کند در فراندوم به عدم بقای اتحاد شوروی رای دهند. "روسیه دمکراتیک" طرفدار باریس یلتسین است. در مناطق استخراج زغال سنگ اوکراین و کاراخستان معدنچیان شوروی دست به اعتصاب زده‌اند. هدف از این اعتصاب، افزایش حقوق و کاهش سن بازنشستگی است. برخی نیروهای رادیکال در اتحادیه مستقل معدنچیان خواهان افزودن خواست استعفای گارباجف بر اهداف اعتصاب شده‌اند.

نوشته‌ای از پوپف شهردار مسکو بود که با عنوان "چه باید کرد؟" به چگونگی پیشبرد اهداف اپوزیسیون از طریق گسترش مبارزه علیه دولت می‌پردازد. رئیس جمهور شوروی گفت مخالفان دولت ضدکمونیستی هر چه بارزتری به خود می‌گیرند، گارباجف باردیگر تاکید کرد که باید به "انتخاب سوسیالیستی" به عمل آمده در انقلاب اکتبر وفادار ماند. ایوان پولوسکف دبیر اول حزب کمونیست روسیه در یک اجلاس گروه‌های موسوم به "میهن پرست در مسکو خواهان "نگرش انتقادی و جدید به پروسترویکا" شد. پولوسکف گفت هلت اصلی اینکه شوروی به "لبه پرتگاه" کشیده شده، "بحران اراده سیاسی" است. پولوسکف اظهار داشت: "ما حزب قانون و نظم ایم. تحت شرایط بحران، لازم است که یک قدرت دولتی مستحکم و اجرای اکید قانون اساسی تامین شود."

شوروی افزود: "غیرممکن است که بتوان گذار به اقتصاد بازار را تحت شرایط هرج و مرج، بی‌نظمی و بی‌ثباتی انجام داد." گارباجف با اظهار تاسف، گفت شعارهایی که زمانی راهنمای نیروهای پرسترویکا بود، اکنون پوششی برای طرح‌های گسترده‌ای است که "در برخی موارد در مراکز در خارج تهیه می‌شود". "گارباجف گفت: "این "دمکرات‌ها" (اشاره به یلتسین و طرفداران او) با تجزیه طلبان و گروهی ناسیونالیست متحد شده‌اند. آنها یک هدف مشترک دارند که عبارت است از تضعیف و در صورت امکان نابودی اتحاد." "گارباجف گفت: "اشاره به یلتسین و طرفداران او) با تجزیه طلبان و گروهی ناسیونالیست متحد شده‌اند. آنها یک هدف مشترک دارند که عبارت است از تضعیف و در صورت امکان نابودی اتحاد." رئیس جمهور شوروی خاطر نشان کرد از آنجا که انتظارات اولیه نیروهای اپوزیسیون برای رسیدن به قدرت از طریق پارلمان‌های شوروی برآورده نشده است، این نیروها اکنون به "تاکتیک‌های نئولیبوشویکی" روی آورده‌اند. اشاره گارباجف به

میخائیل گارباجف رئیس جمهور شوروی طی نطقی در جمهوری بلاروسی اظهار داشت مخالفان دولت شوروی در صدر سرنگون کردن قهرآمیز حکومت‌اند. گارباجف افزود در چنین شرایطی باید تضمین شود که "قوه مجریه از بالا تا پایین قدرت کار داشته باشد" و در سراسر کشور "وحدت ارگان‌های محافظ قانون" پایدار بماند. رئیس جمهور شوروی با نام بردن صریح از باریس یلتسین رئیس پارلمان جمهوری روسیه و گاوریل پوپوف شهردار مسکو، گفت "به اصطلاح دمکرات‌ها با تجزیه طلبان متحد شده‌اند و تظاهرات و اعتصابات برای به دست گرفتن قهرآمیز قدرت ترتیب می‌دهند." گارباجف اظهار داشت تلاش‌های او ظرف یک تا یک و نیم سال اخیر از سوی یک جنگ قدرت بسیار شدیدبلوکه شده است. "جنگ قدرتی که می‌تواند به جنگ داخلی بیانجامد." رئیس جمهور

## نگاهی تازه به اقتصاد و سیاست در ایران معاصر

شاه از تقسیم قدرت با متحدینش در کودتای ۲۸ مرداد (یعنی ملاکان، پیشوایان مذهبی و سیاستمداران قدیمی) نفرت داشت. پدرش او را یک شبه مدرنیست و شبه ناسیونالیست بار آورده بود. با فرهنگ ایران بیگانه و از عقب‌ماندگی آن شرمسار بود. او برای بزرگ کردن خود از طریق مدرنیسم سطحی ناشکیبا بود. می‌خواست با نشان دادن اینکه او نه یک "فرمانروای سنتی" بلکه یک "شاه موقرتی" است، دوستان و حامیان امریکائیش را راضی نگه‌دارد.

است، که از جمله عوامل سیاسی و روانی داخلی در دخالت و سلطه خارجی‌ان نقش اساسی را داشته و تا زمانی که در جستجوی عوامل داخلی و تحلیل آنها فغلت ورزیم، مشکلاتمان همچنان بر جای خواهند ماند. از سوی دیگر تئوری "توطئه" تبلیغ نوعی فالتالیسم (قدرگرایی) است. به این معنا که می‌گوید: هم نهضت‌های ترقیخواه در ایران محکوم به شکست مطلقاً اجتناب‌ناپذیر بوده‌اند و دشمنان خارجی و داخلی آن چنان قدرتمندند که تحت هر شرایطی از موفقیت آن جلوگیری می‌کنند. اما این نظریه نادرست و ناسازگار با واقعیات است، زیرا که هنر رهبری و خواست مردم را نادیده می‌گیرد و نسخه‌ای است که انفعال و یا تسلیم در برابر دشمنان نهضت را تجویز می‌کند. در بررسی شکست هر گام از جنبش مردم باید این سوال را پیش روی نهاد که: برای تضمین موفقیت جنبش در آن مقطع، نهضت و رهبران آن چه باید می‌کردند؟

انفعالات عوامل سیاسی و روانی داخلی در دخالت و سلطه خارجی‌ان نقش اساسی را داشته و تا زمانی که در جستجوی عوامل داخلی و تحلیل آنها فغلت ورزیم، مشکلاتمان همچنان بر جای خواهند ماند. از سوی دیگر تئوری "توطئه" تبلیغ نوعی فالتالیسم (قدرگرایی) است. به این معنا که می‌گوید: هم نهضت‌های ترقیخواه در ایران محکوم به شکست مطلقاً اجتناب‌ناپذیر بوده‌اند و دشمنان خارجی و داخلی آن چنان قدرتمندند که تحت هر شرایطی از موفقیت آن جلوگیری می‌کنند. اما این نظریه نادرست و ناسازگار با واقعیات است، زیرا که هنر رهبری و خواست مردم را نادیده می‌گیرد و نسخه‌ای است که انفعال و یا تسلیم در برابر دشمنان نهضت را تجویز می‌کند. در بررسی شکست هر گام از جنبش مردم باید این سوال را پیش روی نهاد که: برای تضمین موفقیت جنبش در آن مقطع، نهضت و رهبران آن چه باید می‌کردند؟

اقتصاد سیاسی ایران نوین : استبداد و شبه مدرنیسم ۱۳۵۷ - ۱۳۵۰ نوشته دکتر کاتوزیان، استاد کرسی اقتصاد دانشگاه آکسفورد انگلستان. اقتصاد سیاسی ایران در دو مرحله و با عناوین: "سلطنت رضا شاه" و "سلطنت محمد رضا شاه" به فارسی ترجمه شده است. اصل اثر در ۱۹۸۱ به انگلیسی انتشار یافته است. \* \* \*

محمد رضا شاه تا قبل از فرم ارضی ۴۱ هم نماینده منافع ملاکین نبود و از ۱۳۳۱ به بعد، شاه برای ملاکین صرفاً متحدی بود که هر روز بر تردیدهایش افزوده می‌شد. او می‌خواست قدرت سیاسی به انحصار خود درآورد، هم از آن رو که نمی‌توانست خواستار آن بود و هم از آن رو که می‌توانست با رویاهای سطحی ناسیونالیستی و شبه مدرنیستی خود جامعه عمل بپوشاند و این امر نه با یک طبقه قدرتمند مالکان سازگاری داشت و نه بایک قدرت مذهبی مستقل.

تقیام ۱۵ خرداد: بنا بر ملاحظاتی قابل فهم، کاتوزیان تاکنون در برخورد با این حادثه، صراحت کمتری داشته و موضوع را به قول معروف درز گرفته است. اما این امر باعث آن نیست که در یک برخورد عمومی اعلام کند که این تقیام نه صرفاً مذهبی، نه صرفاً محافظه‌کارانه، نه صرفاً رادیکال و دمکراتیک بود. قیام مردم بود بر علیه حکومت و همه گرایش‌ها را در برمی‌گرفت. رهبری آن در دست پیشوایان مذهبی، خاصه خمینی بود و انفرادی را بازاریان، دستفروشان، کاسبکاران و صنعتگران، دانشجویان، کارگران، بیکاران و فعالان سیاسی تشکیل می‌دادند. مذهب، پوشش آن و ضدیت با استبداد عامل وحدتبخش آن بود.

در ارزیابی از تاریخ معاصر کشورمان، ویژه با تاکید بر تحلیل اقتصادی از مجموعه روندها، نوشته دکتر محمد علی کاتوزیان را باید از جمله ارزشمندترین‌ها به شمار آورد. از جمله ویژگی‌های بارز این تحقیق، فاصله گرفتن نویسنده از تجزیه و تحلیل‌های رایج از تاریخ اجتماعی ایران است. قرض از "رایج" در این جا، همانا الگوبرداری از این یا آن مدل ارائه شده توسط صاحب نظران و تطبیق مکانیکی آن بر شرایط ایران است. به این لحاظ اثر فوق را با هیچ شیعه‌ای می‌توان تهور آمیز خواند. برای اثبات این ادعا، تلاش می‌کنم تا چکیده برخی از نکات مهم مطرحه در این نوشتار را در زیر بیاورم. رد نظریه "توطئه": کاتوزیان چه در این کتاب و چه در سایر آثارش، همواره با نظریه "توطئه" در تحلیل تحولات اجتماعی مخالفت کرده است. این نظریه همانا داستان معروف "کار، کار انگلیسی‌هاست" که در ایران طرفداران جدی دارد. نویسنده معتقد است که بی‌تردید نیروهای خارجی در پی پیشبرد منافع خاصشان در امور ایران دخالت می‌کنند، اما فعل و

شبه مدرنیسم محمد رضا شاه : در تحلیل از موقعیت محمد رضا شاه، کاتوزیان اساساً با تحلیل‌های معمول فاصله می‌گیرد و بویژه پس از ۲۸ مرداد ۳۲ وی را در چارچوب "بنابارتیسم" یعنی دیکتاتوری فردی مستقل و فرای طبقات بررسی می‌کند. کاتوزیان معتقد است که پس از کودتا و بعد از آنکه شاه خود را از شر سرلشکر زاهدی هم خلاص کرد، زمینه‌های تبدیل رژیم حاکم بر ایران را از یک حکومت محافظه‌کار - توانگر سالار (پلوکراتیک) به دیکتاتوری فردی فراهم می‌کند. محمد رضا

برای اشتراک نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراک، تمپرستی و یارسید باتکی پرداخت بهای اشتراک به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراک	شش ماهه	۱۱ مارک	دیگر نقاط
نشریه "کار"	یک ساله	۲۱ مارک	۲۲ مارک
بهای اشتراک	شش ماهه	۳۲ مارک	دیگر نقاط
نشریه "اکثریت"	شش ماهه	۶۲ مارک	۷۶ مارک
	یک ساله	۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

\*درس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

**اکثریت**  
نشریه سازمان فدائیان خلق  
ایران (اکثریت) در خارج از کشور

AKSARIYAT  
NO. 339  
MONDAY 4. MAR. 1991

آدرس: Ruzbeh  
Postfach 1810  
3100 Aachen  
GERMANY

حساب بانک: M.ABD  
NR. 35263011  
37050198  
Stadtsparkasse Köln  
GERMANY